



درس خارج فقه، مضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

تاریخ: ۱۲ اسفند ۱۳۹۶

مصادف با: ۱۵ جمادی الثانی ۱۴۳۹

جلسه: ۶۴

موضوع کلی: فصل فی أفعال الوضوء

موضوع جزئی: الرابع: مسح الرجلین - کیفیت مسح پا

سال تحصیلی: ۹۶-۹۷

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

مرحوم سید (ره) در ادامه نوشته است: «و یجزئ الابتداء بالأصابع و بالکعبین و الأحوط الأول»^۱.

به نظر مرحوم سید (ره)، [در هنگام مسح پا،] ابتدا کردن به انگشتان پا [تا کعبین] و [همچنین،] ابتدا کردن به کعبین [تا انگشتان] مجزی است و احتیاط [مستحب] این است که مسح از سر انگشتان شروع شود.

ادله مجزی بودن شروع مسح از انگشتان و کعبین

دلیل اول: آیه مربوطه

اطلاق آیه شریفه «...وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلُكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ...»^۲، بر این دلالت دارد که فرقی ندارد که مسح پاها از انگشتان شروع شود یا از کعبین شروع شود.

ممکن است گفته شود که «الی» در آیه مذکور، به معنای انتهای غایت مسح است و بر این دلالت دارد که مسح باید از انگشتان شروع و به کعبین ختم شود، لکن عرض می شود که «الی» در آیه مذکور، در صدد بیان غایت ممسوح است [، یعنی مسح تا کعبین کافی است و بیشتر از آن لازم نیست که مسح شود] و در صدد بیان غایت مسح نیست لذا لازم نیست که شروع مسح حتماً از سر انگشتان باشد، بلکه اگر شخص مسح خود را از کعبین شروع و به انگشتان ختم کند نیز صحیح است، کما اینکه در باب شستن دست ها گفته شد که «مرفق» غایت برای مغسول است [به این معنی که دست ها باید تا «مرفق» شسته شوند و بیشتر از آن لازم نیست] و غایت برای غسل نیست. بله، اگر «مرفق» غایت برای غسل بود، شستن دست ها باید به «مرفق» ختم می شد.

دلیل دوم: روایات مربوطه

روایت اول: عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ قَالَ: «لَا بَأْسَ بِمَسْحِ الْوُضُوءِ مُقْبِلًا وَ مُدْبِرًا»^۳.

عبارت «بمسح الوضوء»، اطلاق دارد و هم مسح سر را شامل می شود و هم مسح پاها را شامل می شود. طبق این روایت صحیح، فرقی نمی کند که مسح پاها از سر انگشتان تا کعبین باشد یا از کعبین تا سر انگشتان باشد.

روایت دوم: عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ قَالَ: «لَا بَأْسَ بِمَسْحِ الْقَدَمَيْنِ مُقْبِلًا وَ مُدْبِرًا»^۴.

روایت مذکور، در عدم فرق شروع مسح از سر انگشتان پا با شروع مسح از کعبین، تصریح دارد.

۱. سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۱۰.

۲. «المائدة»: ۶.

۳. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب ۲۰، ص ۴۰۶، ح ۱.

۴. همان، ح ۲.

روایت سوم: عَنْ يُونُسَ؛ قَالَ: أَخْبَرَنِي مَنْ رَأَى أَبَا الْحَسَنِ (ع) بِمَعْنَى: يَمْسَحُ ظَهْرَ قَدَمَيْهِ مِنْ أَعْلَى الْقَدَمِ إِلَى الْكَعْبِ وَ مِنْ الْكَعْبِ إِلَى أَعْلَى الْقَدَمِ وَيَقُولُ: «الْأَمْرُ فِي مَسْحِ الرَّجُلَيْنِ مُوسَعٌ؛ مَنْ شَاءَ مَسَحَ مُقْبِلًا وَ مَنْ شَاءَ مَسَحَ مُدْبِرًا؛ فَإِنَّهُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَوْسَعِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ»^۱.
از مفاد سه روایت مذکور، استفاده می‌شود که فرقی نمی‌کند که شروع مسح پاها از سر انگشتان باشد یا از کعبین باشد.

بعضی گفته‌اند که مراد از روایت مذکور، جمع بین هر دو شیوه مسح است، یعنی شخص هم از سر انگشتان تا کعبین مسح کند و هم از کعبین تا سر انگشتان مسح کند. همچنین، بعضی دیگر تبعیض قائل شده‌اند و گفته‌اند که مقداری از پا از کعبین به سمت سر انگشتان مسح شود و مقداری از مسح پا از سر انگشتان به سمت کعبین باشد، لکن این سخن خلاف متعارف عرف است چون متعارف این است که به یکی از دو شیوه مذکور، مسح شود؛ به این معنی که یا از سر انگشتان تا کعبین مسح شود یا از کعبین تا سر انگشتان مسح شود؛ چه هر دو پا را به یک شیوه مسح کند و چه یک پا را از سر انگشتان تا کعبین مسح کند و پای دیگر را از کعبین تا سر انگشتان مسح کند. اگر اطلاقی در کار باشد نیز از آن جواز مسح یک پا مقبلاً و مسح پای دیگر مدبراً استفاده می‌شود؛ نه اینکه در یک پا هم مقبلاً و هم مدبراً مسح شود.

عده‌ای گفته‌اند که به صورت متعین باید مسح پا از سر انگشتان تا کعبین باشد و مسح پا از کعبین تا سر انگشتان صحیح نیست. شیخ صدوق (ره)، ابن زهره (ره)، صاحب انتصار (ره)، صاحب سرائر (ره)، صاحب بیان (ره)، صاحب الفیه (ره) به این قول معتقد شده‌اند.

این عده در دلیل کلام خود به سه دلیل ذیل استناد کرده‌اند:

اول، اینکه وضوهای بیانیه [وضوی پیامبر (ص) و ائمه (ع)] بر شروع مسح پاها از سر انگشتان دلالت دارند.
دوم، اینکه «الی» در آیه شریفه «...وَأَمْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلُكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ...»^۲ در انتهای غایت ظهور دارد.
سوم، اینکه قاعده اشتغال [الإشتغال اليقینی يستدعی البرائة اليقينية] است؛ به این معنی که شخص شک دارد که اگر مسح پا را از کعبین تا سر انگشتان انجام بدهد، ذمه‌اش بری خواهد شد یا بری نخواهد شد لذا برای اینکه برای او براءت ذمه حاصل شود، باید از سر انگشتان تا کعبین مسح کند.

سید عبدالاعلی سبزواری (ره) در پاسخ از ادله سه‌گانه مذکور، فرموده است که وضوهای بیانیه اعم از وجوب و مستحب است و این روایات حاکی از وضوی پیامبر (ص) و ائمه (ع) معارض دارند و این گونه نیست که همه وضوهای بیانیه بر شروع مسح پاها از سر انگشتان دلالت داشته باشند، کما اینکه در روایت مرسله یونس آمده بود: «يَمْسَحُ ظَهْرَ قَدَمَيْهِ مِنْ أَعْلَى الْقَدَمِ إِلَى الْكَعْبِ وَ مِنْ الْكَعْبِ إِلَى أَعْلَى الْقَدَمِ وَيَقُولُ: «الْأَمْرُ فِي مَسْحِ الرَّجُلَيْنِ مُوسَعٌ؛ مَنْ شَاءَ مَسَحَ مُقْبِلًا وَ مَنْ شَاءَ مَسَحَ مُدْبِرًا؛ فَإِنَّهُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَوْسَعِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ» که این عبارت بر جواز شروع مسح از کعبین دلالت دارد.

۱. همان، ص ۴۰۷، ح ۳.

۲. «مائده»: ۶.

اما لفظ «الی» در آیه شریفه «...وَأَمْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلُكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ...»^۱، برای بیان حد ممسوح است و برای بیان حد مسح نیست؛ به این معنی که لازم نیست که مسح از کعبین بالاتر برود و به این معنی نیست که انتهای مسح، کعبین است. همچنین، روایاتی وجود دارند که بر جواز نکس [بر عکس مسح کردن] دلالت دارند و آن روایات نیز این آیه شریفه را قید می‌زنند.

همچنین، تمسک به قاعده اشتغال صحیح نیست چون رجوع به قاعده اشتغال در موارد شک در مکلف به است و در مانحن فیه که شک در تکلیف است، نمی‌توان به قاعده اشتغال تمسک کرد، بلکه در موارد شک در اصل تکلیف به اصالة البرائة تمسک می‌شود و جایی برای تمسک به قاعده اشتغال نیست. همچنین، رجوع به اصل عملی در صورتی است که دلیل لفظی وجود نداشته باشد، در صورتی که در مانحن فیه روایات زیادی وجود دارند که بر جواز مسح از کعبین دلالت دارند. بنابراین، با وجود دلیل لفظی نوبت به رجوع به اصل عملی و قاعده اشتغال نمی‌رسد.

اما در عین حال، همان‌طور که مرحوم سید (ره) فرموده است، احتیاط مستحب این است که مسح پا از سر انگشتان شروع شود. غلبه و سیره بر اساس مسح از انگشتان تا کعب است و کسی مخالف این سره نیست و الاحتیاط حسن علی کل حال. مرحوم سید (ره) در ادامه نوشته است: «كما أن الأحوط تقديم الرجل اليمنى على اليسرى وإن كان الأقوى جواز مسحهما معاً. نعم، لا يقدم اليسرى على اليمنى»^۲.

به نظر مرحوم سید (ره)، احتیاط [مستحب] این است که [مسح] پای راست بر [مسح] پای چپ مقدم شود؛ هر چند که اقوی این است که مسح هر دو پا با هم جایز است. بله، نباید پای چپ بر پای راست مقدم شود.

در رابطه با مسح پاها، سه قول وجود دارد:

قول اول، عدم لزوم ترتیب در مسح پاهاست لذا جایز است که هر دو پای راست و چپ با هم مسح شوند و حتی می‌توان پای چپ را بر پای راست مقدم کرد.

قول دوم، قول مشهور است که آنان معتقدند که مسح پای راست باید بر مسح پای چپ مقدم شود و بر این قول، ادعای اجماع شده است.

قول سوم، قول به تخییر است، یعنی اینکه شخص مخیر بین این است که هر دو پا را با هم مسح کند یا اینکه پای راست را بر پای چپ مقدم کند.

ادله قول اول

دلیل اول: آیه مربوطه

قائلین قول اول به اطلاق آیه شریفه «...وَأَمْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلُكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ...»^۳، تمسک کرده و گفته‌اند که «ارجلكم الى الكعبين»، مطلق است لذا ترتیب در مسح پاها لازم نیست لذا شخص می‌تواند هر دو پا را با هم مسح کند یا اینکه پای چپ را بر پای راست مقدم کند.

۱. همان.

۲. سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۱۰.

۳. «المائدة»: ۶.

گفته‌اند که روایات بیانیه با اینکه در مقام بیان ترتیب در وضو بوده‌اند، در رابطه با مسح پاها سکوت کرده‌اند و به لزوم ترتیب در مسح پاها اشاره‌ای نکرده‌اند که روایات ذیل از جمله آن روایاتند:

عَنْ زُرَّارَةَ؛ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (ع): «تَابِعْ بَيْنَ الْوُضُوءِ كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ اِبْدَأْ بِالْوَجْهِ ثُمَّ بِالْيَدَيْنِ ثُمَّ امْسَحْ الرَّأْسَ وَالرَّجْلَيْنِ وَلَا تُقَدِّمَنَّ شَيْئاً بَيْنَ يَدَيْ شَيْءٍ تُخَالِفُ مَا أُمِرْتَ بِهِ فَإِنْ غَسَلْتَ الذِّرَاعَ قَبْلَ الْوَجْهِ فَأَبْدَأْ بِالْوَجْهِ وَاعِدْ عَلَى الذِّرَاعِ وَإِنْ مَسَحْتَ الرَّجْلَ قَبْلَ الرَّأْسِ فَاْمْسَحْ عَلَى الرَّأْسِ قَبْلَ الرَّجْلِ ثُمَّ اعِدْ عَلَى الرَّجْلِ اِبْدَأْ بِمَا بَدَأَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ»^۱.

گفته‌اند روایت مذکور، به اطلاقش بر عدم لزوم ترتیب در مسح پاها دلالت دارد.

پاسخ از ادله قول اول

اطلاقات در صورتی قابل استنادند که مقیدی در کار نباشد. آیه و روایات مذکور، به روایات دال بر لزوم ترتیب در مسح پاها قید می‌خورند که روایات ذیل از جمله آن روایاتند:

روایت اول: عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي حَدِيثٍ؛ قَالَ: «امْسَحْ عَلَى الْقَدَمَيْنِ وَ اِبْدَأْ بِالشِّقِّ الْأَيْمَنِ»^۲.

روایت مذکور، در وجوب تقدیم مسح پای راست در وضو ظهور دارد.

روایت دوم: عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحَمِيرِيِّ عَنْ صَاحِبِ الزَّمَانِ (ع)؛ أَنَّهُ كَتَبَ إِلَيْهِ يَسْأَلُهُ عَنِ الْمَسْحِ عَلَى الرَّجْلَيْنِ بَأَيِّهِمَا يَبْدَأُ؛ بِالْيَمِينِ أَوْ يَمْسَحُ عَلَيْهِمَا جَمِيعاً مَعاً؟ فَأَجَابَ (ع): «يَمْسَحُ عَلَيْهِمَا (جَمِيعاً) مَعاً فَإِنْ بَدَأَ بِإِحْدَاهُمَا قَبْلَ الْأُخْرَى فَلَا يَبْدَأُ إِلَّا بِالْيَمِينِ»^۳.

روایت مذکور نیز بر عدم جواز تقدیم پای چپ بر پای راست دلالت دارد.

«الحمد لله رب العالمين»

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب ۳۴، ص ۴۴۸، ح ۱.

۲. همان، باب ۳۴، ص ۴۴۹، ح ۲.

۳. همان، ص ۴۵۰، ح ۵.